

منشور سیمرغ

برنامه عملیاتی بازسازی ملی برای ایران آزاد

بخش دوم: حکمرانی، قانون و چارچوب برابری

آنچه باید در گام نخست بنا شود.

هیچ کدام از بخش های سوم تا هفتم این نوشته بدون بنیان های نهادی، حقوقی و اجتماعی که در این بخش شکل می گیرند، کارکرد نخواهند داشت.

حکمرانی صرفاً یک فصل از این نوشته نیست؛ بلکه سیستم عامل کل فرآیند است.

فوریه 2026

برای توزیع راهبردی بین: ایرانیان خارج از کشور، سرمایه گذاران جهانی، سیاست گذاران، شرکای منطقه ای

فهرست

فصل ۴: حکمرانی دوران گذار و طراحی نهادی	4
۴.۱ اصول طراحی قانون اساسی	4
الگوی اسپانیا: گذار مدیریت‌شده از طریق اجماع بر سر قانون اساسی	4
مدل آفریقای جنوبی: حل‌وفصل مذاکره‌شده با قانون اساسی موقت	4
مدل بالتیک: سرعت، حاکمیت ملی و همگرایی با اتحادیه اروپا	4
الزامات کلیدی قانون اساسی برای ایران	5
۴.۲ انحلال امپراتوری اقتصادی سپاه پاسداران	5
نظام‌زدایی از حیات اقتصادی	5
اولویت‌بندی و مدیریت ریسک	6
۴.۳ قوه قضائیه مستقل	6
۴.۴ حکمرانی دیجیتال به مثابه معماری ضد فساد	6
اکس-رود استونی: سامانه‌ای ۶۰ میلیون دلاری برای یک ملت تمام‌دیجیتال	6
آدهار هند: هویت فراگیر در مقیاس بزرگ	7
ثبت املاک بر بستر بلاکچین: الگوی گرجستان	7
نقشه راه اجرایی برای ایران	7
فصل ۵: رنسانس حقوقی	8
۵.۱ انطباق با FATF: دروازه ورود به سرمایه جهانی	8
گام‌های ضروری	8
بازه‌های زمانی واقع‌بینانه بر اساس خروج‌های مشابه از فهرست سیاه	8
۵.۲ اتصال مجدد به سویفت و یکپارچه‌سازی سیستم مالی	9
۵.۳ حفاظت از مالکیت فکری: پذیرش WIPO و نظام معافیت‌مالیاتی	9
پذیرش معاهده‌های سازمان جهانی مالکیت فکری	9
نظام مالیاتی ثبت اختراع: محرک نوآوری داخلی	9
محیط آزمایشی نظارتی: تسریع نوآوری در شرایط کنترل‌شده	10
۵.۵ تثبیت ارز و استقلال بانک مرکزی	10
اولویت‌های فوری	10
فرصت جهش در فناوری‌های مالی	11
۵.۶ برنامه زمان‌بندی یکپارچه اصلاحات حقوقی	11
فصل ۶: برابری به‌عنوان ستون اصلی ساختار	12
۶.۱ عمق شکاف	12
سیستان و بلوچستان: رتبه آخر در تمامی شاخص‌ها	12
کردها: ۱۰ درصد جمعیت، ۵۲ درصد اعدام‌های سیاسی	12
عرب‌های خوزستان: فقر بر فراز منابع نفتی	12
بهائیان: آزار و تبعیض به‌مثابه «جنایت علیه بشریت»	13
زنان: مشارکت 14.4 درصدی در نیروی کار	13

- 13 تصویر کلی
- 13 ۶.۲ آنچه ملت‌های پسا-گذار به ما می‌آموزند
- 13 رواندا: بازسازی مبتنی بر برابری، نتایج اقتصادی به همراه دارد.
- 13 آفریقای جنوبی: الهام‌بخش و هشداردهنده
- 13 ایرلند شمالی: برابری اقتصادی در دل توافق سیاسی
- 14 کلمبیا: فصل قومیتی و عدالت ترمیمی
- 14 شکست‌های هشداردهنده
- 14 ۶.۳ پنج مکانیسم برای بازسازی عادلانه
- 14 مکانیسم ۱: هدف‌گذاری جغرافیایی سرمایه‌گذاری
- 15 مکانیسم ۲: احیای حقوق زبانی و فرهنگی
- 15 مکانیسم ۳: الزام نمایندگی تناسبی
- 15 مکانیسم ۴: حقیقت، عدالت و جبران خسارت:
- 16 مکانیسم ۵: اشتراک‌گذاری درآمدهای منابع
- 16 ۶.۴ توجیه اقتصادی برابری

نمای کلی

بخش اول، ابعاد بحران و عظمت فرصت‌های پیش‌رو را تبیین کرد. بخش‌های سوم تا هفتم نیز به جزئیات بازسازی بخش‌به‌بخش در حوزه‌های انرژی، آب، زیرساخت‌های دیجیتال، صنایع پیشرفته و سرمایه‌انسانی خواهند پرداخت. اما هیچ‌یک از این سرمایه‌گذاری‌ها به ثمر نخواهد رسید و هیچ سرمایه‌گذار خارجی سرمایه‌اش را وارد نخواهد کرد مگر با پی‌ریزی بنیان‌های نهادی که در این بخش بنا می‌شوند.

سه فصلی که در ادامه می‌آیند، هر یک به یکی از پیش‌نیازهای حیاتی می‌پردازند. فصل چهارم ساختار سیاسی دوران گذار را طراحی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که قدرت چگونه سازماندهی شده و در برابر عملکرد خود پاسخگو می‌شود. فصل پنجم زیرساخت‌های حقوقی لازم برای اتصال ایران به بازارهای سرمایه جهانی را بنا می‌کند که مواردی چون انطباق با استانداردهای FATF، حفاظت از مالکیت معنوی، ایجاد محیط‌های آزمون تنظیم‌گری و تثبیت ارز را در بر می‌گیرد. فصل ششم نیز به موضوعی می‌پردازد که پژوهش‌های عمیق، آن را حیاتی‌ترین نقص ساختاری نسخه‌ی اول این طرح شناسایی کرده‌اند: فقدان کامل یک «چارچوب برابری» برای رسیدگی به وضعیت اقلیت‌های قومی، تبعیض‌های مذهبی، حذف جنسیتی و نابرابری‌های منطقه‌ای.

این ترتیب چیدمان، کاملاً آگاهانه انتخاب شده است؛ چرا که حاکمیت، ظرف نهادی را ایجاد می‌کند، قانون آن ظرف را با قواعد لازم‌الاجرا پر می‌نماید و در نهایت، برابری تضمین می‌کند که این ظرف برای تمام ۹۲ میلیون ایرانی ساخته شده است و نه فقط برای نخبگان تهران. نادیده گرفتن هر یک از این سه رکن، شکست حتمی بازسازی را در پی خواهد داشت. سوابق تجربی در این زمینه شفاف است: اجرای فرآیند «بعث‌زدایی» در عراق بدون رویکرد شمول‌گرا، منجر به ظهور داعش شد؛ دوران گذار در لیبی بدون چارچوب‌های برابری به فروپاشی دولت انجامید و گشایش اقتصادی در میانمار بدون اصلاحات نهادی به کودتایی ختم شد که ۷۴ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را یک‌شبه نابود کرد. همچنین پژوهش‌های «پل کالیر» نشان می‌دهد کشورهایی که پس از بحران، در رفع «نابرابری‌های افقی» شکست می‌خورند، با احتمالی ۴۰ درصدی در کمتر از یک دهه به چرخه درگیری باز می‌گردند.

فصل ۴: حکمرانی دوران گذار و طراحی نهادی

این فصل به تبیین ساختار سیاسی می‌پردازد که یک دولت گذار پیش از آغاز هرگونه بازسازی اقتصادی، ملزم به استقرار آن است. این نوشتار قصد ندارد یک سازوکار مشخصی برای گذار اعم از انقلاب، انتقال قدرت مذاکره‌شده، مجمع تدوین قانون اساسی یا مدل‌های ترکیبی تجویز کند؛ بلکه بر اصول طراحی نهادی تمرکز دارد که هر گذار پس‌اقتدارگرای موفق به آن نیاز داشته است. شواهد تطبیقی این فصل از تجربیات اسپانیا (۱۹۷۵-۱۹۸۲)، آفریقای جنوبی (۱۹۹۰-۱۹۹۶)، کشورهای حوزه بالتیک (۱۹۹۱-۱۹۹۴) و کره جنوبی (۱۹۸۷-۱۹۹۳) استخراج شده و در کنار آن، از درس‌های عبرت‌آموز ناشی از شکست‌های ساختاری در عراق، لیبی و مصر نیز بهره گرفته شده است.

۴.۱ اصول طراحی قانون اساسی

قانون اساسی ۱۹۷۹ ایران، دکتورین «ولایت فقیه» را مستقر کرد که بر اساس آن اقتدار عالی در دست یک شخصیت مذهبی غیرمنتخب متمرکز شده است؛ مقامی که بر قوه قضائیه، نیروهای نظامی و رسانه‌های دولتی تسلط داشته و از توانایی وتوی مصوبات قانونی برخوردار است. در این ساختار، اعضای «شورای نگهبان» که توسط رهبر و قوه قضائیه منصوب می‌شود، وظیفه احراز صلاحیت تمامی نامزدهای مناصب عمومی و تطبیق کل قوانین با موازین اسلامی را بر عهده دارد. این معماری حقوقی، استقرار یک حکمرانی دموکراتیک واقعی را بدون جایگزینی کامل قانون اساسی از نظر ساختاری غیرممکن می‌سازد.

الگوی اسپانیا: گذار مدیریت‌شده از طریق اجماع بر سر قانون اساسی

تجربه گذار اسپانیا از دیکتاتوری فرانکو (۱۹۷۵-۱۹۷۸) همچنان به عنوان «استاندارد طلایی» برای گذارهای مدیریت‌شده در قانون اساسی شناخته می‌شود. ملک خوان کارلوس اول، آدولفو سوارز را به عنوان نخست‌وزیر منصوب کرد؛ کسی که توانست «قانون اصلاحات سیاسی» را در سال ۱۹۷۶ از میان مجلس خود فرانکو (Cortes) عبور دهد. در واقع، از ظرفیت‌های همان چارچوب قانونی موجود برای برچیدن خود آن ساختار استفاده کرد. قانون اساسی ۱۹۷۸ توسط کمیته‌ای متشکل از نمایندگان تمامی نیروهای سیاسی اصلی تدوین شد، در یک همه‌پرسی ملی با رأی ۸۷/۸ درصدی به تصویب رسید و یک پادشاهی مشروطه با تفکیک کامل قوا را مستقر کرد. این فرآیند از زمان مرگ فرانکو تا تصویب نهایی قانون اساسی سه سال به طول انجامید.

ایران باید مولفه‌های کلیدی تجربه اسپانیا را به‌دقت مورد مطالعه قرار دهد؛ نخست، شمول‌گرایی گسترده در تدوین پیش‌نویس که در نمونه اسپانیایی، کمیته‌ای متشکل از تمامی نیروهای سیاسی از جمله کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، میانه‌روها و محافظه‌کاران را در بر می‌گرفت. دوم، تصویب قانون اساسی از طریق یک همه‌پرسی ملی با آستانه مشروعیت بالا که مقبولیت همگانی نظم جدید را تضمین کرد. سوم، پیش‌بینی مفاد «عفو عمومی» که به کارگزاران رژیم سابق اجازه داد تا با پذیرش نظم جدید در ساختار ادغام شوند؛ و در نهایت، ایجاد چارچوبی برای «جوامع خودگردان» که به مطالبات ایالت‌های باسک و کاتالونیا برای خودگردانی بدون تجزیه کشور پاسخ داد. این الگوی تمرکززدایی، مستقیماً با مطالبات جوامع کرد، آذری، بلوچ و عرب در ایران پیوند می‌خورد و راهکاری برای حفظ تمامیت ارزی در عین تأمین حقوق قومی ارائه می‌دهد.

مدل آفریقای جنوبی: حل‌وفصل مذاکره‌شده با قانون اساسی موقت

تجربه گذار آفریقای جنوبی (۱۹۹۰-۱۹۹۶) از یک فرآیند دو مرحله‌ای برای تدوین قانون اساسی بهره گرفت: نخست، یک قانون اساسی موقت که از طریق مذاکره میان تمامی احزاب (از جمله رژیم در حال خروج) تدوین شد و مبنای حاکمیتی انتخابات سال ۱۹۹۴ قرار گرفت؛ و سپس، قانون اساسی نهایی که توسط یک «مجمع مؤسسان» منتخب، تدوین و توسط «دادگاه قانون اساسی» تازه‌تأسیس تأیید و اعتبارنامه‌اش صادر شد. این رویکرد دو مرحله‌ای به جناح‌های رقیب اجازه داد تا بر سر «فرآیند» به توافق برسند، حتی در زمانی که بر سر «نتایج» توافق نداشتند؛ امری که تضمین کرد سند نهایی هم از مشروعیت دموکراتیک و هم از کیفیت قضایی لازم برخوردار باشد.

مدل بالتیک: سرعت، حاکمیت ملی و همگرایی با اتحادیه اروپا

کشورهای استونی، لتونی و لیتوانی موفق شدند ظرف تنها دو تا سه سال پس از خروج نیروهای شوروی (۱۹۹۱-۱۹۹۳) فرآیند گذار کامل قانونی خود را به سرانجام برسانند. آن‌ها نهادسازی سریع را با جهت‌گیری صریح به سمت همگرایی با اروپا [به عنوان یک «نقطه اتکای خارجی» برای تضمین اصلاحات] ترکیب کردند. در این میان، تعهد استونی به اختصاص ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی خود به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات از همان بدو استقلال، سنگ‌بنای چیزی را بنا نهاد که بعدها به پیشرفته‌ترین

«دولت دیجیتال» جهان تبدیل شد؛ امری که ثابت می‌کند نوسازی قانون اساسی و مدرن‌سازی فناوری می‌توانند به‌صورت موازی و هم‌گام پیش بروند.

الزامات کلیدی قانون اساسی برای ایران

با تکیه بر شواهد تطبیقی بین‌المللی، چارچوب قانون اساسی جدید ایران در راستای تحقق منشور سیمرغ موظف به استقرار مؤلفه‌های ذیل است:

- لغو جایگاه رهبری و شورای نگهبان؛ هیچ نهاد غیرمنتخبی نباید اختیار و تو بر قانون‌گذاری، تأیید صلاحیت نامزدها یا انتصاب‌های قضایی داشته باشد.
- تفکیک کامل قوا میان قوه مجریه، مقننه و قضاییه، همراه با سازوکارهای مستقل برای انتصاب در هر یک از این قوا.
- ایجاد دادگاه قانون اساسی مستقل، با الگوبرداری از دادگاه قانون اساسی آلمان یا دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی با اختیار بررسی انطباق قوانین و اقدامات اجرایی با قانون اساسی.
- حمایت صریح از حقوق بنیادین از جمله آزادی دین، برابری جنسیتی، حقوق زبانی اقلیت‌ها، آزادی تجمع و آزادی مطبوعات؛ به‌گونه‌ای که این حقوق به‌صورت اصول تثبیت‌شده تعریف شوند و با اکثریت ساده قابل اصلاح نباشند.
- حکمرانی غیرمتمرکز با خودمختاری معنادار در سطح استان‌ها، با الگوبرداری از نظام جوامع خودمختار اسپانیا یا ایالت‌های آلمان (Länder) به‌گونه‌ای که جوامع گرد، آذری، بلوچ، عرب و سایر گروه‌ها در حوزه‌هایی مانند آموزش، سیاست‌های فرهنگی و توسعه اقتصادی محلی از خودگردانی واقعی برخوردار باشند.
- برتری نهادهای غیرنظامی بر تمامی نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی، همراه با ممنوعیت قانون اساسی برای مشارکت نظامیان در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری.

۴.۲ انحلال امپراتوری اقتصادی سپاه پاسداران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صرفاً یک سازمان نظامی نیست؛ بلکه بزرگترین مجموعه اقتصادی ایران محسوب می‌شود که امپراتوری وسیعی را در حوزه‌های ساخت‌وساز، مخابرات، انرژی، امور مالی و عملیات واردات و صادرات تحت کنترل دارد و هر بازاری را که به آن ورود می‌کند دچار انحراف می‌سازد. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا [بازوی مهندسی سپاه] بزرگترین پیمانکار ایران است که پروژه‌های کلان سدسازی، بزرگراهی، خط لوله و پروژه‌های انرژی را اجرا می‌کند. همچنین بنیاد تعاون بسیج در بخش‌های خرده‌فروشی، کشاورزی و بنگاه‌های مالی فعالیت دارد. نهادهای وابسته به سپاه بخش‌های قابل توجهی از حوزه‌های مخابرات، بانکداری و پتروشیمی ایران را اغلب از طریق ساختارهای مالکیت مبهم و بدون برگزاری مناقصات رقابتی در اختیار گرفته‌اند.

یکی از رؤسای‌جمهور سابق ایران اذعان داشته است که ۶۰ درصد از ثروت کشور در کنترل حدود ۳۰۰ نفر است که بسیاری از آن‌ها قدرت اقتصادی خود را از شرکت‌های مرتبط با سپاه به‌دست می‌آورند. این تمرکز قدرت اقتصادی در نهادهای وابسته به نظامیان، بزرگترین مانع ساختاری منفرد در برابر ایجاد یک اقتصاد رقابتی و مبتنی بر شایسته‌سالاری است.

نظامی‌زدایی از حیات اقتصادی

تحقق این هدف مستلزم اجرای سه فرآیند موازی است که هر یک از الگوهای موفق بین‌المللی اقتباس شده‌اند:

- شناسایی دارایی‌ها و ایجاد شفافیت. بدین معنا که یک حسابرسی جامع از تمامی دارایی‌های اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران توسط یک کمیسیون مستقل و با بهره‌گیری از کمک‌های فنی بین‌المللی انجام پذیرد. مدل‌های عملیاتی این اقدام «اصلاحات شفاف‌سازی چپول‌ها»^۱ در کره جنوبی پس از ۱۹۸۷ و «برنامه واگذاری دارایی‌های نظامی» در اندونزی پس از سوهارتو^۲ است (که نیروهای مسلح اندونزی را ملزم کرد تا سال ۲۰۰۹ تمامی بنگاه‌های تجاری خود را واگذار کنند).
- تفکیک ساختاری. بدین معنا که ممنوعیت قانون اساسی بر مالکیت نظامیان بر بنگاه‌های تجاری وضع شود. در این چارچوب، کسب‌وکارهای سودآور و قابل تداوم از طریق مزایده‌های شفاف خصوصی‌سازی می‌شوند و نهادهای فاقد توجیه

¹ Chaebol

² Suharto

اقتصادی منحل خواهند شد. همچنین، فعالیت‌های درآمدزایی که پیش‌تر صرف تأمین بودجه صندوق‌های بازنشستگی نظامی یا خدمات ایثارگران می‌شد به نهادهای غیرنظامی دولتی با نظارت مستقل منتقل می‌گردند.

- ایجاد بازار رقابتی. به گونه‌ای که بخش‌های کلیدی که در حال حاضر تحت سلطه نهادهای وابسته به سپاه پاسداران هستند از جمله ساخت‌وساز، مخابرات، بانکداری و واردات و صادرات از طریق چارچوب‌های صدور مجوز، ایجاد نهادهای تنظیمگر (رگولاتوری) و اعمال قوانین ضد انحصار به روی مشارکت رقابتی بخش خصوصی گشوده شوند. هدف از این اقدامه تنبیه و انتقامجویی بلکه ایجاد یک «زمین بازی هموار» است که بتواند سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی مستند شده در فصل سوم از بخش اول را به سوی خود جذب کند.

اولویت‌بندی و مدیریت ریسک

تجربه «بعث‌زدایی» در عراق، درس عبرت‌آموز و حیاتی این مسیر است؛ صدور فرمان شماره ۲ توسط «حاکمیت موقت ائتلاف»، منجر به انحلال کل ارتش عراق شد و ۴۰۰,۰۰۰ نیروی آموزش‌دیده نظامی را با انبوهی از نارضایتی‌ها خانه‌نشین کرد؛ تصمیمی که امروزه به‌طور گسترده به عنوان عامل اصلی شعله‌ور شدن شورش‌ها شناخته می‌شود. بر این اساس، رویکرد ایران باید به جای رویکردی تنبیهی، ماهیتی «اصلاح‌گرایانه» داشته باشد؛ چرا که هدف نهایی، تحول نهادی است و نه حذف توده‌ای. آن دسته از پرسنل سابق سپاه پاسداران که نظم جدید قانون اساسی و اقتدار نهادهای غیرنظامی را بپذیرند باید مسیرهای مشخصی برای اشتغال مشروع و مشارکت مدنی پیش رو داشته باشند. همچنین، افرادی که دخالت آن‌ها در نقض حقوق بشر مستند شده است به سازوکارهای «عدالت انتقالی» (که در فصل ششم به آن پرداخته می‌شود) ارجاع داده خواهند شد.

۴.۳ قوه قضائیه مستقل

قوه قضائیه کنونی ایران تحت اقتدار مستقیم رهبر فعالیت می‌کند؛ مقامی که رئیس قوه قضائیه را منصوب کرده و او نیز به نوبه خود تمامی انتصابات قضایی را در کنترل دارد. در این میان، دادگاه‌های انقلاب خارج از روال‌های معمول قضایی عمل کرده و اقدام به برگزاری محاکمات غیرعلنی، بدون حضور وکلای مدافع شایسته و واجد شرایط می‌کنند. وجود چنین سیستمی، استقرار «حاکمیت قانون» و به تبع آن هرگونه چارچوب جدی برای سرمایه‌گذاری را از نظر ساختاری غیرممکن می‌سازد.

استقلال قضایی مستلزم اجرای سه اصلاح ساختاری بنیادین است: نخست، ایجاد یک فرآیند شفاف برای انتصاب قضات؛ این امر به‌طور ایده‌آل باید از طریق یک «کمیسیون مستقل خدمات قضایی» [الگوی آفریقای جنوبی] یا ترکیبی از «نامزد کردن توسط قوه مجریه و تأیید توسط قوه مقننه» [الگوی ایالات متحده] همراه با تضمین امنیت شغلی و ثبات دوره تصدی صورت گیرد. دوم، انحلال کامل دادگاه‌های انقلاب و دادگاه‌های ویژه روحانیت؛ به‌گونه‌ای که تمامی پرونده‌ها به یک نظام قضایی یکپارچه منتقل شوند که تحت قوانین آیین دادرسی مدون و با رعایت کامل حقوق دفاعی فعالیت می‌کند. سوم، استقرار صلاحیت نظارتی برای دادگاه قانون اساسی؛ بدین معنا که هیچ قانون، دستور اجرایی یا حکم قضایی فراتر از نظارت و سنجش انطباق با قانون اساسی نباشد.

تجربه اصلاحات قضایی در گرجستان، پیشینه‌ای بسیار مرتبط و الهام‌بخش ارائه می‌دهد؛ پس از «انقلاب گل رز» در سال ۲۰۰۳ گرجستان کل نیروی پلیس راهنمایی و رانندگی فاسد خود را منحل کرد؛ نیرویی کاملاً جدید به خدمت گرفت و مقامات ارشد فاسد را محاکمه نمود. سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۱۰، گرجستان را «بهترین مبارز با فساد در جهان» نامید؛ کشوری که توانست از قعر جدول، به رتبه ۵۳ در شاخص ادراک فساد (امتیاز ۵۳ از ۱۰۰) صعود کند. رواندا نیز تحولی حتی شگرف‌تر را رقم زد؛ صعود از رتبه ۱۵۰ در شاخص سهولت کسب‌وکار بانک جهانی (۲۰۰۸) به رتبه ۲۹ (۲۰۲۰)، همراه با رتبه ۴۳ در شاخص ادراک فساد (امتیاز ۵۷). این شواهد تأیید می‌کنند که اصلاحات نهادی سریع ظرف تنها یک دهه کاملاً امکان‌پذیر است.

۴.۴ حکمرانی دیجیتال به مثابه معماری ضد فساد

تکنولوژی هرگز نمی‌تواند جایگزینی برای «اراده سیاسی» باشد، اما قادر است به‌طور چشمگیری «سطح تماس» در دسترس برای بروز فساد را کاهش دهد. سیستم‌های حکمرانی دیجیتال (در صورت اجرای صحیح) شفافیت، قابلیت ردیابی و نظارت شهروندی ایجاد می‌کنند؛ امری که باعث می‌شود اصلاحات نهادی، خصلتی پایدار و بازگشت‌ناپذیر به خود بگیرند.

اکس-رود استونی: سامانه‌ای ۶۰ میلیون دلاری برای یک ملت تمام‌دیجیتال

سامانه «اکس-رود³» استونی در سال ۲۰۰۱ راه‌اندازی شد. این سامانه ۹۲۹ نهاد، ۱،۸۸۷ سیستم اطلاعاتی و بیش از ۳،۰۰۰ خدمت دیجیتال را تنها با هزینه سالانه ۵۰ تا ۶۰ میلیون یورو به یکدیگر متصل می‌کند. اصل «فقط یکبار» در این سیستم به این معناست که شهروندان داده‌های خود را تنها یکبار ارائه می‌دهند و تمامی سیستم‌ها از همان داده‌ها استفاده مجدد می‌کنند. نکته حیاتی اینجاست که شهروندان می‌توانند مشاهده کنند چه کسی به داده‌های آن‌ها دسترسی داشته است؛ امری که «پاسخگویی در ذات طراحی» را محقق می‌سازد. از زمان متن‌باز شدن این سامانه در سال ۲۰۱۶ تحت لایسنس MIT، اکس-رود توسط بیش از ۲۰ کشور از جمله فنلاند و آذربایجان به کار گرفته شده است. استونی تا دسامبر ۲۰۲۴ موفق شد ۱۰۰ درصد خدمات دولتی خود را آنلاین کند و رتبه دوم جهان را در شاخص توسعه دولت الکترونیک سازمان ملل کسب نماید.

آدهار هند: هویت فراگیر در مقیاس بزرگ

سامانه «آدهار⁴» هند موفق شد ۱/۴ میلیارد هویت بیومتریک را با هزینه‌ی مستقیم ناچیز (یعنی حدود ۰/۷۹ تا ۱/۵۰ دلار به ازای هر ثبت‌نام) ایجاد کند. ترکیب موسوم به «JAM Trinity» — شامل حساب‌های بانکی «Dhan Jan»، سامانه «Aadhaar» و زیرساخت «موبایل» — منجر به افتتاح بیش از ۵۲۳ میلیون حساب بانکی جدید شد و امکان «انتقال مستقیم مزایا» را برای ۱/۵ میلیارد دینفع در قالب ۳۲۱ طرح دولتی فراهم آورد. دولت هند مدعی است که تنها از طریق حذف دینفعان تکراری و جعلی، ۴۹ میلیارد دلار صرفه‌جویی کرده است. برای ایران [جایی که پاران‌های انرژی به تنهایی سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود و کاهش حتی ۵ درصدی تقلب در آن، منجر به صرفه‌جویی ۲/۵ میلیارد دلاری در سال خواهد شد] ضرورت استقرار یک هویت دیجیتال فراگیر غیرقابل‌انکار و حیاتی است.

ثبات املاک بر بستر بلاکچین: الگوی گرجستان

گرجستان در سال ۲۰۱۶ با همکاری شرکت «Bitfury» به نخستین کشور جهان تبدیل شد که از فناوری بلاکچین برای ثبت مالکیت اموال غیرمنقول استفاده کرد. تا سال ۲۰۱۸، حدود ۱/۵ میلیون ملک در این شبکه به ثبت رسید و گرجستان رتبه سوم جهان را در شاخص کارایی ثبت املاک کسب نمود. این تجربه مستقیماً با چالش‌های مزمن ایران از جمله پدیده «زمین‌خواری»، معاملات غیررسمی املاک و خطاهای سیستم ثبت دولتی پیوند می‌خورد. «هرناندو سوتو⁵» برآورد می‌کند که حدود ۹/۳ تریلیون دلار از دارایی‌های جهانی به دلیل فقدان اثبات مالکیت کافی عملاً «فقدان» شده و از چرخه اقتصاد خارج مانده‌اند؛ سهم ایران از این ارزش به دام‌افتاده بسیار قابل توجه است.

نقشه راه اجرایی برای ایران

زیرساخت‌های دیجیتال فعلی ایران، نقطه آغازی بسیار قوی‌تر از آنچه عموماً تصور می‌شود فراهم کرده است: ضریب نفوذ اینترنت ۸۱/۷ درصدی، وجود ۱۴۶/۵ میلیون اتصال تلفن همراه، شبکه پرداخت «شتاب» (که از کارآمدترین شبکه‌های منطقه است) و ۵۹ میلیون شهروندی که پیش‌تر در سیستم «کارت هوشمند ملی» ثبت‌نام کرده‌اند. اقدام حیاتی در این مسیر، جداسازی «هویت دیجیتال» از «سازوکارهای نظارتی و امنیتی» است؛ چرا که پایگاه‌های داده فعلی نظیر «هدا»، «شاهکار» و «سیام»، با هدف مانیتورینگ و کنترل طراحی شده‌اند و نه برای خدمت‌رسانی به شهروندان. از همین رو، روز نخست گزار مستلزم صدور یک دستور اجرایی است که مقرر کند سیستم هویت دیجیتال ملی باید تحت قوانین سخت‌گیرانه‌ی «حفاظت از داده‌ها» و با به رسمیت شناختن حق دسترسی شهروندان به داده‌های خود فعالیت کند. کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای استقرار یک حاکمیت دیجیتال جامع بین ۸۰۰ میلیون تا ۱/۳ میلیارد دلار طی ۱۵ سال برآورد می‌شود؛ در حالی که بازگشت سرمایه‌ی مورد انتظار تنها از محل کاهش تقلب و افزایش بهره‌وری سالانه بین ۲/۵ تا ۵ میلیارد دلار خواهد بود. مؤسسه مک‌کینزی تخمین می‌زند که استقرار هویت دیجیتال می‌تواند بین ۳ تا ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال توسعه را آزاد کرده و شکوفا سازد.

انتخاب اصلی میان «اصلاح نظام حکمرانی» و «بازسازی اقتصادی» نیست؛ بلکه اصلاح حکمرانی پیش‌شرط مطلق و گریزناپذیر برای هرگونه بازسازی اقتصادی است. هر دلاری که پیش از استقرار اعتبار نهادی سرمایه‌گذاری شود، دلاری است که در معرض ریسک جدی قرار دارد.

³ X-Road

⁴ Aadhaar

⁵ Hernando de Soto

فصل ۵: رنسانس حقوقی

بدون حق مالکیت بر یک «ایده» نوآوری می‌میرد. بدون دسترسی به منابع مالی جهانی، نوآوری امکان «مقیاس‌پذیری» ندارد. و بدون پیش‌بینی‌پذیری حقوقی، هیچ سرمایه‌گذاری اقدام به تخصیص سرمایه نخواهد کرد. این فصل به تبیین زیرساخت‌های حقوقی مورد نیاز برای یک «اقتصاد مبتنی بر فناوری» می‌پردازد و زمان‌بندی‌های واقع‌بینانه‌ای را برای هر یک از این اصلاحات با استناد به تجربیات اثبات‌شده‌ی کشورهای هم‌تراز ارائه می‌دهد.

۵.۱ انطباق با FATF: دروازه ورود به سرمایه جهانی

ایران همچنان یکی از سه کشور جهان است که در کنار کره شمالی و میانمار در «لیست سیاه» گروه ویژه اقدام مالی (FATF) باقی مانده است. نشست مجمع عمومی FATF در اکتبر ۲۰۲۵ بار دیگر بر این وضعیت تأکید کرد و خاطر نشان ساخت که ایران از فوریه ۲۰۲۰ تاکنون، «هیچ تغییر ملموسی» در برنامه اقدام خود ایجاد نکرده است. بدون خروج از لیست سیاه FATF، بخش فناوری ایران همچنان از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر جهانی، روابط بانکی بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های نهادی مستند شده در بخش اول، محروم خواهد ماند. انطباق با استانداردهای FATF صرفاً یک چک‌لیست نظارتی و اداری نیست؛ بلکه مهم‌ترین دروازه‌ی نهادی برای تحقق تکتک اهداف مالی پیش‌بینی‌شده در این نقشه راه است.

گام‌های ضروری

الزامات مشخص گروه ویژه اقدام مالی برای خروج ایران از لیست سیاه شامل موارد ذیل است:

- تصویب «کنوانسیون پالمو» (کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان‌یافته فرامرزی) که شورای نگهبان بارها مانع از نهایی شدن آن شده است.
- جرم‌نگاری کامل تأمین مالی تروریسم؛ به‌گونه‌ای که استثنای فعلی برای گروه‌های موسوم به «تلاش‌گر برای پایان دادن به اشغال خارجی» که عملاً حزب‌الله و سازمان‌های وابسته را از شمول قانون خارج می‌کند، به‌طور قطعی حذف شود.
- شناسایی و مسدودسازی دارایی‌های تروریستی در انطباق کامل با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد.
- استقرار سازوکارهای مؤثر «راستی‌آزمایی موشکافانه مشتریان» در تمامی نهادهای مالی، شامل ایجاد دفاتر ثبت «مالکیت ذینفعان نهایی» و سیستم‌های گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک.

بازه‌های زمانی واقع‌بینانه بر اساس خروج‌های مشابه از فهرست سیاه

کشور	ورود به لیست	خروج از لیست	مدت زمان فرآیند
پاکستان	ژوئن ۲۰۱۸	اکتبر ۲۰۲۲	حدود ۴ سال
امارات متحده عربی	مارس ۲۰۲۲	فوریه ۲۰۲۴	حدود ۲ سال
کل کشورهای تحت نظارت	۱۱۴ کشور شناسایی‌شده	۸۶ مورد موفقیت‌آمیز	۷۵٪ نرخ موفقیت در اصلاحات
ایران (پیش‌بینی)	پیش از ۲۰۲۰	سال ۳ تا ۵ پس از گذار	۳ تا ۵ سال اصلاحات ساختاری

تجربه جهانی نشان می‌دهد که از میان ۱۱۴ کشوری که به‌طور عمومی شناسایی شده‌اند، ۸۶ کشور با موفقیت اصلاحات مورد نظر FATF را به پایان رسانده‌اند که این به معنای نرخ موفقیت ۷۵ درصدی در این مسیر است. برای ایران، خروج از لیست سیاه احتمالاً مستلزم ۳ تا ۵ سال «انطباق اثبات‌شده» تحت یک دولت اصلاح‌گر خواهد بود. این بازه‌ی زمانی، همان «مسیر بحرانی»

برای اتصال مجدد به شبکه جهانی سوئیفت⁶، رفع پایدار تحریم‌ها و جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. در واقع، تمامی اصلاحات مالی دیگر که در این فصل به آن‌ها پرداخته شده، همگی مشروط به تحقق این گام بنیادین هستند.

۵.۲ اتصال مجدد به سوئیفت و یکپارچه‌سازی سیستم مالی

ایران در سال ۲۰۱۲ از شبکه «سوئیفت» [سامانه پیام‌رسان جهانی که زیربنای تقریباً تمامی نقل‌وانتقالات بانکی بین‌المللی است] قطع شد؛ در طول اجرای برجام (۲۰۱۶-۲۰۱۸) به‌طور موقت مجدداً متصل گردید و پس از خروج ایالات متحده، بار دیگر دسترسی خود را از دست داد. ایران از آن زمان تاکنون به سیستم پرداخت «میر» [MIR] روسیه متصل شده است اما این اقدام صرفاً یک «راهکار موقت» محسوب می‌شود و نه یک راه حل قطعی. برای برقراری جریان‌های سرمایه‌ای در مقیاس نهادی، اتصال کامل و پایدار به سوئیفت یک ضرورت غیرقابل‌اجتناب است.

بر اساس تجربیات بین‌المللی، فرآیند بازگشت به چرخه پولی جهان مستلزم رعایت یک توالی زمانی مشخص است: نخست، احراز انطباق با استانداردهای FATF (اثبات توانمندی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم)؛ سپس اتصال مجدد به شبکه سوئیفت (که به‌طور معمول ظرف ۶ تا ۱۲ ماه پس از خروج از لیست سیاه و ورود به لیست‌های خاکستری یا سفید محقق می‌شود)؛ در پی آن، برقراری مجدد «روابط کارگزاری بانکی» [بانک‌های بین‌المللی تنها پس از کاهش ریسک‌های FATF و تحریم‌ها، تعامل مجدد را آغاز خواهند کرد]؛ و در نهایت، دستیابی به دسترسی کامل به بازارهای سرمایه جهانی. در این میان، شبکه پرداخت داخلی ایران موسوم به «شتاب» که تراکنش‌ها را در کمتر از ۲ ثانیه پردازش کرده و در زمره کارآمدترین شبکه‌های منطقه قرار دارد، یک زیربنای فنی بسیار قوی برای این ادغام بین‌المللی فراهم می‌آورد.

۵.۳ حفاظت از مالکیت فکری: پذیرش WIPO و نظام معافیت‌مالیاتی

بدون حق مالکیت بر یک ایده، هیچ پژوهشگری کشف خود را تجاری‌سازی نمی‌کند، هیچ استارت‌آپی سرمایه‌گذار خطرپذیر جذب نمی‌کند و هیچ شرکت چندملیتی فناوری خود را به آن کشور منتقل نمی‌کند. حفاظت از مالکیت فکری، زیرساخت حقوقی‌ای است که توانمندی علمی را به ارزش اقتصادی تبدیل می‌کند.

پذیرش معاهده‌های سازمان جهانی مالکیت فکری

ایران باید به مجموعه کامل معاهده‌های سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) ملحق شده و آن‌ها را به تصویب برساند تا اطمینان حاصل شود که اختراعی ثبت‌شده در «اصفهان»، در «نیویورک»، «توکیو» و «فرانکفورت» نیز مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد. پذیرش استانداردهای وایپو، نخستین پیش‌نیاز حقوقی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های فناوری‌محور است. بدون این پشتوانه، هیچ شرکت چندملیتی مالکیت فکری پیشرفته خود را به سرمایه‌گذارانی‌های مشترک در ایران انتقال نخواهد داد و هیچ کارآفرین دور از وطنی، فناوری‌های انحصاری خود را به داخل کشور باز نخواهد گرداند.

نظام مالیاتی ثبت اختراع: محرک نوآوری داخلی

رژیم‌های «جعبه ثبت اختراع» نرخ‌های مالیاتی ترجیحی و بسیار پایینی را بر درآمدهای حاصل از «مالکیت فکری واجد شرایط» اعمال می‌کنند. هدف از این کار، ایجاد انگیزه در شرکت‌ها برای توسعه و نگاهداشت دارایی‌های فکری در داخل کشور به‌جای انتقال آن‌ها به حوزه‌های قضایی خارجی است. پیشینه‌های بین‌المللی در این زمینه کاملاً تثبیت شده‌اند:

کشور	نرخ مالیات بر درآمد مالکیت فکری	سازوکار اجرایی
ایرلند	۶/۲۵٪ (صعود به ۱۰٪ از ۲۰۲۳)	جعبه توسعه دانش (KDB)
هلند	۹٪	جعبه نوآوری (Innovation Box)
سنگاپور	۲۵٪ معافیت مالیاتی بر D&R	مشوق‌های مالیاتی تحقیق و توسعه
بریتانیا	۱۰٪	جعبه ثبت اختراع (Patent Box)

⁶ Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication

کشور	نرخ مالیات بر درآمد مالکیت فکری	سازوکار اجرایی
ایران (پیشنهادی)	۵٪ تا ۷٪	سال دوم گذار

در حال حاضر ۱۳ کشور از ۲۷ عضو اتحادیه اروپا به همراه بریتانیا و سوئیس، رژیم‌های مالیاتی «جعبه ثبت اختراع» را به کار گرفته‌اند. ایران باید با هدف رقابت با جذاب‌ترین شاخص‌های جهانی یا حتی پیشی گرفتن از آن‌ها نرخ مالیاتی ۵ تا ۷ درصدی را برای «نوآوری‌های داخلی واجد شرایط» در سال دوم گذار مستقر کند. ترکیب این مشوق مالیاتی با چتر حمایتی سازمان جهانی مالکیت فکری، محیطی حقوقی ایجاد می‌کند که در آن نوآوری در خاک ایران همزمان مورد «حفاظت» و «پاداش» قرار می‌گیرد.

محیط آزمایشی نظارتی: تسریع نوآوری در شرایط کنترل‌شده

یک محیط آزمایشی نظارتی (Sandbox) به استارت‌آپ‌ها و نوآوران اجازه می‌دهد محصولات و خدمات جدید خود را تحت الزامات قانونی تسهیل‌شده و با نظارت مستقیم نهاد ناظر، اما بدون تحمیل بار سنگین «انطباق کامل» در مرحله آزمایشی توسعه و اجرا کنند. برای کشوری که در حال بازسازی کامل چارچوب‌های رگولاتوری مالی و فناوری از نقطه صفر است، این محیط‌ها امکان می‌دهند نوآوری هم‌زمان با فرآیند طراحی و تدوین مقررات دائمی با سرعت پیش برود.

شواهد مربوط به اثربخشی «محیط آزمایشی نظارتی» بسیار متقاعدکننده است. «مرجع راهبرد امور مالی» در بریتانیا، که در سال ۲۰۱۵ اولین سندباکس جهان را راه‌اندازی کرد، تاکنون بیش از ۶۳۰ درخواست را پردازش کرده و از حدود ۲۰۰ شرکت حمایت نموده است. خروجی‌های این سندباکس ۶/۶ برابر بیشتر از همتایان مشابه خود سرمایه جذب کرده‌اند؛ همچنین شاهد کاهش ۴۰ درصدی در زمان دریافت مجوز ورود به بازار و افزایش ۵۰ درصدی در احتمال تأمین سرمایه بوده‌اند. امروزه بیش از ۹۵ نهاد ناظر در سراسر جهان مدل‌های مشابهی را اتخاذ کرده‌اند. سنگاپور، بحرین و امارات متحده عربی همگی دارای سندباکس‌های فعالی در حوزه «فین‌تک» هستند که ایران باید آن‌ها را مطالعه و با شرایط خود سازگار کند.

ایران باید در سال اول گذار، محیط‌های آزمایشی نظارتی را در حداقل سه حوزه کلیدی مستقر نماید: نخست، فناوری‌های مالی (Fintech) شامل پرداخت‌های دیجیتال، وام‌دهی و بیمه؛ با تکیه بر زیرساخت آزمایشی «ریال دیجیتال» که در جزیره کیش در حال اجرا است. دوم، فناوری‌های سلامت شامل پزشکی از راه دور، تشخیص‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و پرونده‌های الکترونیکی سلامت. سوم، فناوری‌های انرژی شامل پنل‌های خورشیدی توزیع‌شده، شبکه‌های برق هوشمند و تبادل هم‌تا به هم‌تا انرژی. هر سندباکس باید برای دوره‌ای ۱۲ تا ۲۴ ماهه و با معیارهای ارزیابی شفاف فعالیت کند؛ و پس از آن، شرکت‌کنندگان موفق بتوانند مجوز دائمی را از طریق فرآیندی تسهیل‌شده دریافت کنند.

۵.۵ تثبیت ارزش و استقلال بانک مرکزی

فروپاشی ارزش ریال ایران باعث شده است انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در بخش تحقیق و توسعه، واردات کالاهای سرمایه‌ای و ساختار بندی مشارکت‌های خارجی عملاً غیرممکن شود. در شرایطی که تورم از ۵۰ درصد فراتر رفته و وجود «نرخ‌های ارزش چندگانه»، فرصت‌های بی‌نظیری برای «آربیتاژ» (کسب سود از تفاوت قیمت) در اختیار رانندگان و وابستگان متصل به هسته‌های قدرت قرار داده است، سیستم ارزی کنونی خود به ابزاری برای گسترش نابرابری و فساد تبدیل شده است.

اولویت‌های فوری

- حذف نرخ‌های ترجیحی ارزش. نظام چندنرخ‌های فعلی—که در آن نرخ‌ها بین نرخ رسمی، یارانه‌ای و بازار آزاد اختلاف‌های بسیار زیادی دارند—زمینه‌ساز فساد در واردات تجهیزات پیشرفته، تأمین دارو و توزیع مواد غذایی شده است. یکسان‌سازی نرخ ارزش بر اساس مکانیزم بازار، پیش‌شرط شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی است.
- استقلال بانک مرکزی. بانک مرکزی ایران باید به‌صورت قانونی و در سطح قانون اساسی از قوه مجریه و نهادهایی مانند سپاه پاسداران مستقل باشد و مأموریت آن بر ثبات قیمت‌ها و سلامت نظام مالی متمرکز شود. تمام نمونه‌های موفق تثبیت پولی در اقتصادهای پس از بحران—مانند لهستان (۱۹۹۰)، ترکیه (۲۰۰۱) و گرجستان (۲۰۰۳)—نیازمند استقلال بانک مرکزی بوده‌اند.

- ایجاد ابزارهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر ارزش خارجی. تا زمانی که ثبات ریال برقرار نشده است، اوراق بازسازی و سایر ابزارهای سرمایه‌گذاری باید بر پایه دلار یا یورو تعریف شوند، به‌گونه‌ای که سازوکارهای تبدیل ارزش در آن‌ها پیش‌بینی شود تا هم صادرکنندگان و هم سرمایه‌گذاران در برابر نوسانات نرخ ارز محافظت شوند. برنامه اوراق دیاسپورا (ایرانیان خارج از کشور) که در فصل ۳ پیشنهاد شده نیز باید بر اساس ارزش‌های معتبر طراحی شود.

فرصت جهش در فناوری‌های مالی

ایران نیازی ندارد یک سیستم بانکی متعلق به قرن بیستم را از نو بازسازی کند؛ بلکه می‌تواند مستقیماً به سمت مالی دیجیتال مدرن جهش کند. نمونه‌های موفق در این زمینه بسیار چشمگیر هستند. سیستم پرداخت فوری Pix در برزیل تنها در 2.5 سال و با هزینه ۴ میلیون دلار (با استفاده از زیرساخت‌های موجود بانک مرکزی) ساخته شد و اکنون سالانه 4.6 تریلیون دلار تراکنش را با بیش از ۱۷۵ میلیون کاربر پردازش می‌کند و استفاده از پول نقد را از ۴۳ درصد به ۶ درصد کاهش داده است. در هند، سیستم UPI سالانه 3.6 تریلیون دلار تراکنش را برای ۴۹۱ میلیون کاربر مدیریت می‌کند. در کنیا، M-Pesa با سرمایه‌گذاری اولیه حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار راه‌اندازی شد و اکنون با ۸۲ میلیون حساب، سالانه ۳۰۹ میلیارد دلار تراکنش را پردازش می‌کند و سطح شمول مالی را از ۲۶ درصد به ۸۴ درصد افزایش داده است. ایران باید راه‌اندازی یک سیستم پرداخت آبی به سبک UPI/Pix را در سال‌های دوم تا سوم دوره گذار با بودجه‌ای معادل ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار برای توسعه و استقرار در اولویت قرار دهد. طرح آزمایشی ریال دیجیتال که در حال حاضر در جزیره کیش در جریان است، زیرساخت‌های بنیادی لازم را فراهم می‌کند.

۵.۶ برنامه زمان‌بندی یکپارچه اصلاحات حقوقی

محور اصلاحات	گام اول (سال ۱ / روز نخست)	میان‌مدت (سال ۲-۳)	تثبیت نهایی (سال ۳-۵)
انطباق با FATF	اعلام اراده رسمی؛ تصویب کنوانسیون پالرمو	اجرای مفاد برنامه اقدام	ورود به لیست خاکستری و سپس خروج کامل
اتصال به سوئیفت	آغاز مقدمات فنی و رایزنی‌های بانکی	اتصال آزمایشی بانک‌های منتخب	اتصال کامل کلیه بانک‌های تجاری
پذیرش واپیو (WIPO)	اعلام الحاق به کلیه معاهدات اصلی	تصویب نهایی؛ استقرار دادگاه‌های تخصصی مالکیت‌فکری	ظرفیت کامل اجرایی و صیانت جهانی
رژیم مالیاتی جعبه اختراع	تدوین پیش‌نویس قوانین مالیاتی	تصویب نرخ مالیاتی ۵-۷٪ برای نوآوری	عملیاتی شدن؛ بهره‌مندی نخستین شرکت‌ها
سندباکس‌های نظارتی	راه‌اندازی در حوزه‌های فین‌تک، سلامت و انرژی	ارزیابی و فارغ‌التحصیلی نخستین گروه‌ها	استقرار چارچوب‌های رگولاتوری دائمی
یکپارچه‌سازی ارزی	حذف فوری نرخ‌های ترجیحی و رانتی	استقرار استقلال کامل بانک مرکزی	دستیابی به هدف تورم زیر ۱۵٪
سیستم پرداخت دیجیتال	گسترش طرح آزمایشی ریال دیجیتال	راه‌اندازی سیستم پرداخت آبی ملی	پوشش مالی بالای ۸۰٪ جامعه
دیجیتالی‌سازی املاک	اجرای آزمایشی ثبت املاک بر بستر بلاکچین در سه استان	ثبت ۱۰ میلیون واحد ملکی در سامانه	پوشش کامل کشوری

انطباق با استانداردهای FATF صرفاً یک موضوع «فنی» یا اداری نیست؛ بلکه «شاه‌کلید» اصلی برای بازگشت به اقتصاد جهانی است. تا زمانی که ایران از لیست سیاه خارج نشود، تمامی ابزارهای سرمایه‌گذاری تشریح شده در این برنامه‌عملیاتی با یک «نقص ساختاری» روبرو خواهند بود که پیامد آن عبارت است از: هزینه‌های تراکنش بسیار بالاتر، تعداد ناچیز طرف‌های تجاری بین‌المللی و یک عدم قطعیت حقوقی دائمی.

فصل ۶: برابری به عنوان ستون اصلی ساختار

پژوهش‌های عمیقی که برای نگارش این ویرایش دوم انجام شد، بزرگترین ضعف ساختاری ویرایش نخست را شناسایی کرد: نادیده گرفتن کامل «نابرابری‌های قومی»، «آزار و تبعیض‌های مذهبی»، «طرد جنسیتی» و «شکاف‌های منطقه‌ای». این صرفاً یک قصور ساده نیست؛ بلکه نقیصه بنیادین است که اعتبار این سند را نزد تمامی مخاطبان هدف مخدوش می‌کند: از شهروندان ایرانی که حاشیه‌نشینی را تجربه کرده‌اند تا جوامع دور از وطن (دیاسپورا) که به همین دلیل کشور را ترک کردند، سرمایه‌گذاران بین‌المللی که «کیفیت حکمرانی» را ملاک قیمت‌گذاری قرار می‌دهند و شرکای منطقه‌ای که می‌دانند بی‌ثباتی داخلی بزرگترین تهدید برای منافع آن‌هاست.

این فصل داده‌هایی درباره طرد اجتماعی ارائه می‌دهد، شواهد بین‌المللی مربوط به بازسازی مبتنی بر برابری را مرور می‌کند و یک چارچوب پنج‌گانه برای ساختن ایرانی که برای همه مردمش کارآمد باشد پیشنهاد می‌دهد.

۶.۱ عمق شکاف

ایران از نظر تجربه زیسته یک کشور یکپارچه نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از جوامع گوناگون است که با سطوح رفتاری کاملاً متفاوتی از سوی دولت مواجه شده‌اند. سطح متوسط زندگی در تهران 3.2 برابر مناطق روستایی است—شکافی که از 2.1 برابر در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. ۵۴ درصد تولید ناخالص داخلی در تنها ۵ استان متمرکز است و تهران به‌تنهایی 21.7 درصد از تولید ناخالص داخلی را دارد. حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ضریب جینی کشور به 0.397 رسیده و همچنان در حال افزایش است.

جمعیت حدوداً ۹۲ میلیونی ایران به‌طور تقریبی شامل ۶۱ درصد فارس، ۱۶ درصد آذربایجانی، ۱۰ درصد کرد، ۶ درصد لر، ۲ درصد عرب، ۲ درصد بلوچ، ۲ درصد ترکمن و ۱ درصد سایر گروه‌ها از جمله ارمنه، آشوری‌ها، گیلک‌ها و مازندرانی‌ها است. ایران در سرشماری‌های خود داده‌های مربوط به قومیت را جمع‌آوری نمی‌کند—آخرین آمار مربوط به سال ۱۹۷۶ است—بنابراین تمام این درصدها تخمینی و از نظر سیاسی محل بحث هستند.

سیستان و بلوچستان: رتبه آخر در تمامی شاخص‌ها

استان سیستان و بلوچستان، موطن اقلیت بلوچ، در تمام شاخص‌های توسعه اعم از شاخص توسعه انسانی، آموزش، بهداشت و درآمد در رتبه‌ی آخر کشور قرار دارد؛ وضعیتی که از سال ۱۹۹۶ تاکنون در تمامی دوره‌های ارزیابی شده، به‌طور مستمر تکرار شده است. تقریباً دو سوم جمعیت این استان در فقر زندگی می‌کنند. فاجعه‌بارتر آنکه کودکان در گودال‌های خطرناکی (هوتک) که برای دسترسی به آب حفر شده‌اند، غرق شده‌اند. گزارش سال ۲۰۲۴ مرکز پژوهش‌های مجلس نیز این استان را با فاصله‌ای معنادار «محرورترین منطقه کشور» شناسایی کرده است. با این حال، بلوچ‌ها با وجود آنکه تنها ۲ درصد از جمعیت کل ایران را تشکیل می‌دهند، سهمی معادل ۲۹ درصد از اعدام‌های سیاسی و نزدیک به نیمی از اعدام‌های مربوط به مواد مخدر را به خود اختصاص داده‌اند.

کردها: ۱۰ درصد جمعیت، ۵۲ درصد اعدام‌های سیاسی

کردها حدود ۱۰ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، اما بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴، ۵۲ درصد از کل اعدام‌های سیاسی را شامل شده‌اند—یعنی ۸۵ مورد از ۱۶۴ پرونده ثبت‌شده. کولبران کرد به‌طور مداوم توسط نیروهای امنیتی هدف تیراندازی قرار می‌گیرند؛ تنها در سال ۲۰۲۴، ۳۳۹ نفر کشته یا زخمی شده‌اند. معلمان کرد به‌دلیل تدریس به زبان کردی زندانی و حتی اعدام شده‌اند. استان‌های کردستان و کرمانشاه نیز همواره در میان فقیرترین مناطق ایران قرار دارند.

عرب‌های خوزستان: فقر بر فراز منابع نفتی

خوزستان ۸۰ تا ۹۰ درصد از درآمد نفت خام ایران و حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند، اما جمعیت عرب این منطقه در فقر زندگی می‌کنند و نرخ بیکاری آن‌ها ۴۵ درصد بالاتر از میانگین ملی است. دولت از سال ۱۹۷۹ تاکنون شش سد بزرگ بر رودخانه کارون ساخته است (در مقایسه با تنها دو سد پیش از آن)، و آب را به‌گونه‌ای گسترده منحرف کرده که اکنون کمتر از ۱۰ درصد آن به این استان می‌رسد. ۷۰ درصد از تالاب‌های خوزستان از بین رفته‌اند و 1.2 میلیون نخل خرما بر اثر خشکسالی نابود شده‌اند. در اعتراضات سال ۲۰۲۱ موسوم به «قیام تشنگان»، هزاران نفر با شعار «من تشنه‌ام!» به خیابان آمدند، اما با گلوله جنگی مواجه شدند. ۸۰ درصد از زنان عرب روستایی بی‌سواد هستند.

بهایان: آزار و تبعیض به‌مثابه «جنایت علیه بشریت»

جامعه بهائی—با جمعیتی حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر—از سال ۱۹۷۹ از تحصیل در دانشگاه‌ها محروم شده است؛ این ممنوعیت در یک مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۹۹۱ رسمیت یافت. آنان از اشتغال در بخش‌های دولتی منع شده‌اند، اموالشان به‌صورت نظام‌مند مصادره می‌شود و به‌طور مکرر زندانی می‌شوند. در سال ۲۰۲۴، ۱۰ زن بهائی در اصفهان مجموعاً به ۹۰ سال حبس محکوم شدند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر این وضعیت را «جنایت علیه بشریت از نوع آزار و تعقیب» بر اساس اساسنامه رم توصیف کرده است. نزدیک به ۷۵ درصد از موارد نقض ثبت‌شده علیه اقلیت‌های مذهبی در سه سال گذشته، بهائیان را هدف قرار داده است. پارلمان اروپا در سال ۲۰۲۵ قطعنامه‌ای در محکومیت این آزارها تصویب کرد. هر برنامه بازسازی که به این محرومیت‌ها نپردازد، از حداقل اعتبار اخلاقی برخوردار نخواهد بود.

زنان: مشارکت 14.4 درصدی در نیروی کار

میزان مشارکت زنان در نیروی کار ایران تنها حدود ۱۴ تا ۱۷ درصد است—که این کشور را در رتبه‌های ۱۴۱ تا ۱۴۳ از میان ۱۴۵ تا ۱۴۶ کشور در شاخص شکاف جنسیتی جهانی قرار می‌دهد. عربستان سعودی، که اغلب در زمینه حقوق زنان عقب‌مانده تلقی می‌شود، به نرخ مشارکت 36.2 درصدی زنان رسیده و حتی از هدف «چشم‌انداز ۲۰۳۰» خود فراتر رفته است. ۲۷ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایران را زنان تشکیل می‌دهند، اما تنها ۱۹ درصد از نیروی کار شاغل زن هستند؛ به‌طوری‌که ۶۰ درصد از زنان تحصیل‌کرده بیکارند. الزامات قانونی برای دریافت اجازه از سرپرست مرد جهت سفر و دریافت گذرنامه، باعث می‌شود کارفرمایان تمایل بیشتری به استخدام مردان داشته باشند. مؤسسه مک‌کنزی برآورد می‌کند که کاهش شکاف‌های جنسیتی در سطح جهان می‌تواند ۱۲ تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی اضافه کند. حتی افزایش مشارکت زنان در ایران از ۱۴ به ۳۰ درصد نیز می‌تواند میلیون‌ها نیروی کار جدید وارد اقتصاد کرده و به‌طور قابل‌توجهی تولید اقتصادی را افزایش دهد.

تصویر کلی

اگر این داده‌ها را در کنار هم قرار دهیم، به تصویری هولناک می‌رسیم: ۹۷ درصد از کسانی که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ با اتهامات سیاسی اعدام شده‌اند، از میان کردها، بلوچ‌ها یا عرب‌ها بوده‌اند. همچنین، معترضان گرد و بلوچ تخمین زده می‌شود که ۶۰ تا ۷۰ درصد از قربانیان سرکوب‌های سال ۲۰۲۲ (1401 خورشیدی) را تشکیل داده‌اند. این‌ها صرفاً آمارهای حاشیه‌ای نیستند؛ بلکه واقعیت زیسته‌ی حدود ۳۰ درصد از جمعیت ایران را تعریف می‌کنند. نکته‌ی راهبردی اینجاست که این جمعیت دقیقاً در استان‌هایی متمرکز شده‌اند که منابع طبیعی و زیرساخت‌های راهبردی تشریح شده در بخش‌های ۳ تا ۵ این منشور (نظیر نفت، گاز، معادن و بنادر) در آن‌ها واقع شده است.

۶.۲ آنچه ملت‌های پسا-گذار به ما می‌آموزند

رواندا: بازسازی مبتنی بر برابری، نتایج اقتصادی به همراه دارد

پس از نسلی‌کشی‌ای که ۸۰۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند، تولید ناخالص داخلی رواندا از ۷۵۲ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ به 14.25 میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسید—یعنی ۱۹ برابر رشد. امید به زندگی از ۲۹ سال به ۶۷ سال افزایش یافت. نظام دادگاه‌های «گچاچا» (Gacaca) با استفاده از عدالت مبتنی بر جامعه و قضات منتخب مردمی تعداد چشمگیر ۱,۹۵۸,۶۳۴ پرونده را رسیدگی کرد. قانون اساسی سال ۲۰۰۳ سهمیه ۳۰ درصدی برای زنان را الزامی کرد؛ پارلمان رواندا به ۶۴ درصد نمایندگی زنان رسید؛ بالاترین میزان در تاریخ جهان. دولت استفاده از برچسب‌های قومی را در زمینه‌های رسمی ممنوع کرد. این اقدامات صرفاً نمادین نبودند؛ بلکه انتخاب‌های ساختاری بودند که رشد اقتصادی متوسط حدود ۸ درصد در سال را برای دو دهه رقم زدند.

آفریقای جنوبی: الهام‌بخش و هشداردهنده

کمیسون حقیقت و آشتی در آفریقای جنوبی با دریافت ۲۲,۰۰۰ بیانیه از قربانیان و برگزارای ۲,۵۰۰ جلسه عفو، یک ثبت تاریخی جامع و بی‌نظیر ایجاد کرد. اما برنامه توانمندسازی اقتصادی سیاه‌پوستان (B-BBEE) علی‌رغم معاملاتی به ارزش بیش از ۲۵ میلیارد دلار، عمدتاً باعث ثروتمند شدن نخبگان متصل به قدرت سیاسی شد. ضریب جینی در آفریقای جنوبی از حدود 0.59 در پایان دوران آپارتاید، به 0.66 در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت که بالاترین نرخ نابرابری در جهان است. درس بزرگ این است: توانمندسازی هدفمند، بدون تحول اقتصادی ساختاری، صرفاً یک طبقه‌ی ممتاز جدید ایجاد می‌کند نه یک پیشرفت فراگیر و همگانی.

ایرلند شمالی: برابری اقتصادی در دل توافق سیاسی

فرآیند صلح ایرلند شمالی نشان داد که پایداری سیاسی بدون پشتوانه‌ی اقتصادی غیرممکن است. بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰، بیش از 2.3 میلیارد یورو بودجه صلح اتحادیه اروپا (EU PEACE) در قالب ۲۲,۵۰۰ پروژه مشترک میان جوامع درگیر هزینه شد. علاوه بر این، «صندوق بین‌المللی برای ایرلند» موفق شد بیش از 2.4 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صلح‌سازی جذب کند؛ یعنی به ازای هر ۱ دلار بودجه مستقیم، 2.2۰ دلار سرمایه‌گذاری جانبی باز شد. درس کلیدی این است: برابری اقتصادی باید در ذات خود توافق سیاسی گنجانده شود.

کلمبیا: فصل قومیتی و عدالت ترمیمی

توافق صلح کلمبیا در سال ۲۰۱۶ شامل «اصلاحات جامع روستایی» بود که یک صندوق زمین به وسعت ۳ میلیون هکتار برای بازتوزیع ایجاد کرد و همچنین «برنامه‌های توسعه با تمرکز سرزمینی» را در ۱۷۰ منطقه آسیب‌دیده از درگیری اجرا نمود. «صلاحیت ویژه برای صلح» نوعی مجازات ترمیمی را پیشگامانه به‌کار گرفت—در سپتامبر ۲۰۲۵، ۷ نفر از رهبران سابق گروه فارک که به ربودن ۲۱ هزار نفر محکوم شده بودند به جای زندان به ۸ سال مجازات شامل بازتوانی و جبران خسارت محکوم شدند. این توافق همچنین شامل یک «فصل قومی»⁷ صریح بود که مقرراتی متناسب با فرهنگ جوامع بومی و آفرو-کلمبیایی را در بر می‌گرفت.

شکست‌های هشداردهنده

کشور	شکست در برابری	پیامد نهایی
عراق	سیاست «بعث‌زدایی» افراطی و طرد سنی‌ها از دولت و اشتغال	ظهور داعش؛ بی‌ثباتی فرقه ای بی‌پایان
لیبی	فقدان چارچوب‌های عدالت قبیله‌ای و منطقه‌ای در دوران گذار	فروپاشی دولت؛ جنگ داخلی مستمر
اتیوپی	ساخت پارک‌های صنعتی دستوری بدون عدالت منطقه‌ای	کمک به شعله‌ور شدن جنگ و برانگیز تی‌گرای
میانمار	طرد سیستماتیک رو‌هینگی‌ها و اقلیت‌های قومی	نسل‌کشی؛ فروپاشی اقتصادی؛ سقوط ۷۴٪ سرمایه‌گذاری خارجی

۶.۳ پنج مکانیسم برای بازسازی عادلانه

چارچوب برابری یک ردیف بودجه‌ی جداگانه نیست؛ بلکه یک «اصل طراحی» است که در تکتک دلارهای سرمایه‌گذاری شده در تمامی هفت بخش این برنامه‌عملیاتی گنجانده شده است. هزینه‌ی نهایی (هزینه‌ای که برای تولید یک واحد اضافه از یک کالا یا خدمت پرداخت می‌شود) استقرار یک کارخانه در «کردستان» به‌جای «تهران»، ناچیز یا حتی منفی است (به دلیل قیمت پایین‌تر زمین و نیروی کار مشتاق). هزینه نصب تابلوهای دوزبانه ناچیز است و هزینه حضور عادلانه گروه‌ها در قدرت عملاً صفر است. آنچه در ادامه می‌آید، پنج مکانیسم عملیاتی است که هر یک از مدل‌های اثبات‌شده‌ی بین‌المللی استخراج شده‌اند:

مکانیسم ۱: هدف‌گذاری جغرافیایی سرمایه‌گذاری

هر سرمایه‌گذاری صنعتی کلان باید به‌گونه‌ای آگاهانه و عامدانه مکان‌یابی شود تا دهه‌ها محرومیت منطقه‌ای را معکوس کند. تعهدات مشخص در این زمینه می‌تواند به موارد زیر اشاره کرد.

- احداث کارخانه عظیم تولید باتری در استان کردستان (سندج): ایجاد بیش از ۷۰۰ شغل با عملیات دوزبانه کردی-فارسی.
- احداث دومین کارخانه عظیم در سیستان و بلوچستان (نزدیک چابهار): اتصال استخراج مواد معدنی به اقتصاد بندری.
- توسعه بندر چابهار به‌عنوان موتور مشارکت اقتصادی بلوچ‌ها، همراه با ایجاد «صندوق توسعه محلی» که ۵ درصد درآمد بندر را دریافت می‌کند.
- ایجاد مناطق فناوری کشاورزی در خوزستان با هدف احیای حقوق آبی برای جوامع عرب کشاورز.

⁷ بخش ویژه اقوام در توافق صلح ۲۰۱۶ کلمبیا، بخشی پیشگام و چهارصفحه‌ای (فصل ۶.۲) است که برای حفاظت از حقوق جوامع بومی و آفرو-کلمبیایی طراحی شده است.

- اجرای خط راه آهن سریع‌السریر اصفهان-شیراز با عبور از مناطق بختیاری و لر، به همراه ایستگاه‌هایی برای خدمت‌رسانی به این جوامع و استخدام نیروی کار از میان آن‌ها.
- توسعه اکتوریسم در گلستان با مدیریت و بهره‌برداری توسط جوامع ترکمن.
- توسعه فرآوری مس در کرمان، همراه با استخدام هدفمند نیروی کار بلوچ برای معادن چهل‌کوره در سیستان و بلوچستان.

مکانیسم ۲: احیای حقوق زبانی و فرهنگی

اصل ۱۵ قانون اساسی فعلی ایران اجازه تدریس زبان‌های محلی در مدارس را می‌دهد، اما این اصل به‌طور سیستماتیک نقض شده است. اقدامات فوری در این راستا عبارتند از:

آموزش دوزبانه اجباری: استقرار نظام آموزشی دوزبانه (کردی-فارسی، ترکی آذربایجانی-فارسی، بلوچی-فارسی، عربی-فارسی، ترکمنی-فارسی) در تمامی استان‌هایی که دارای جمعیت قابل توجه اقلیت هستند. بومی‌سازی خدمات عمومی: تمامی خدمات دولتی، تابلوهای راهنمایی و رانندگی و ترانزیتی، عملیات بندری و خدمات بیمارستانی باید به زبان محلی مربوطه در دسترس باشند. تأسیس کمیسیون ملی زبان‌ها: ایجاد نهادی با اختیارات اجرایی و بودجه مستقل، با الگوبرداری از چارچوب قانون اساسی هند (با ۲۲ زبان رسمی) یا «اصل سرزمینی» در سوئیس.

مکانیسم ۳: الزام نمایندگی تناسبی

تمام نهادهای جدید از جمله سازمان پیشنهادی خودروه‌های برقی، سازمان راه آهن، سازمان توسعه گردشگری، سازمان حاکمیت معادن، سازمان بازسازی بنادر، بنیاد ملی علم و فناوری ایران و هر نهادی که در این برنامه‌ی عملیاتی پایه‌گذاری می‌شود؛ باید دارای ترکیب قومیتی متناسب با جمعیت ملی باشند. این به معنای حضور حدود ۱۶ درصد آذربایجانی، ۱۰ درصد کرد، ۶ درصد لر، و ۲ درصد برای هر یک از اقوام عرب، بلوچ و ترکمن در سطوح رهبری و بدنه اجرایی است که از طریق سهمیه‌های شفاف محقق می‌شود. زنان باید حداقل ۳۰ درصد از تمامی جایگاه‌ها در نهادهای جدید را در اختیار داشته باشند (مطابق با آستانه رواندا) که این رقم ظرف ۱۰ سال باید به ۵۰ درصد افزایش یابد.

نظام «رزرواسیون» هند — قدیمی‌ترین برنامه تبعیض مثبت در جهان — 49.5 درصد از مشاغل دولتی و صندلی‌های دانشگاهی را به دسته‌های تعیین‌شده (گروه‌های حاشیه‌ای) اختصاص می‌دهد. طی بیش از ۷۰ سال، این سیستم به‌طور چشمگیری نمایش سیاسی و دسترسی آموزشی را برای جوامع محروم افزایش داده است. درس این تجربه برای ایران: سهمیه‌بندی برای ایجاد «دسترسی» کارآمد است، اما برای جلوگیری از تسخیر توسط نخبگان (تبدیل شدن رانت به نفع عده‌ای معدود از نخبگان وابسته) باید با تحول اقتصادی ساختاری (مشابه هشدار آفریقای جنوبی) ترکیب شود.

مکانیسم ۴: حقیقت، عدالت و جبران خسارت:

تأسیس کمیسیون ملی حقیقت و آشتی با اختیارات بازرسی و تحقیق که بازه‌ی زمانی سال ۱۹۷۹ تا دوران گذار را پوشش می‌دهد. این نهاد با الگوبرداری از مدل جامع آفریقای جنوبی طراحی می‌شود، اما از شکست‌های آن در زمینه‌ی پرداخت غرامت و جبران خسارت درس می‌گیرد.

- جبران خسارت مستند برای خانواده‌های بهائی: رسیدگی به پرونده‌های مصادره اموال، همراه با احیای فوری حق دسترسی به دانشگاه و حقوق اشتغال در بخش‌های دولتی.
- پرداخت غرامت به خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام شده: با اولویت‌دهی به جوامع گُرد، بلوچ و عرب که به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.
- عدالت زیست‌محیطی برای خوزستان: تأسیس «سازمان احیای حقوق آب» با مأموریت بازگرداندن جریان رودخانه کارون به سطوح مستند تاریخی، اصلاح سدها در صورت نیاز و احیای تالاب‌ها؛ تأمین مالی این پروژه‌ها از محل درآمدهای نفتی استخراج‌شده از خود استان صورت می‌گیرد. هزینه تخمینی: ۱ تا ۳ میلیارد دلار در طول یک دهه.
- صندوق قربانیان کولبری: پرداخت غرامت به خانواده‌های کولبران گُرد که توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.

بودجه مورد نیاز: هزینه کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی سالانه حدود ۱۸ میلیون دلار بود. با مقیاس‌بندی برای ایران، یک فرآیند جامع ۵ ساله برای حقیقت‌یابی و جبران خسارت با احتساب پرداخت غرامت‌ها حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. این مبلغ کمتر از ۱ درصد از کل سرمایه‌گذاری بازسازی است، اما برای مشروعیت بخشیدن به کل این برنامه، حیاتی و ضروری است.

مکانیسم ۵: اشتراک‌گذاری درآمدهای منابع

الگو برداری از مدل اصلاح‌شده‌ی «صندوق دائمی آلاسکا» برای استان‌های دارای منابع استخراجی؛ استان‌های نفت‌خیز (خوزستان)، غنی از مس (کرمان) و سایر استان‌های دارای مواد معدنی باید سهمی مستقیم و قانونی از درآمدهای استخراجی دریافت کنند، نه اعتباراتی که بر اساس صلاحدید (دولت مرکزی) و اگذار می‌شود. مدل شیلی مستلزم آن است که ۱۵ تا ۲۵ درصد از مواد معدنی استخراج‌شده با نرخ‌های ترجیحی در داخل فروخته شود تا اطمینان حاصل گردد که مشاغل مربوط به صنایع فرآوری محلی، به‌دنبال استخراج ایجاد می‌شوند. همچنین، اصل مورد استفاده در استرالیا مبنی بر اینکه جوامع بومی تا ۵۰ درصد از حق امتیاز توسعه در زمین‌های خود را دریافت می‌کنند باید در مورد جوامع قومی ایران نیز اعمال شود.

توسعه‌ی بندر چابهار—جایی که هند متعهد به سرمایه‌گذاری مستقیم ۳۷۰ میلیون دلاری به‌علاوه‌ی یک خط اعتباری ۲۵۰ میلیون دلاری شده و ظرفیت عملیاتی آن از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ جهش ۵۵۸ درصدی داشته است—باید شامل یک «توافق‌نامه منافع جامعه محلی» باشد. این توافق‌نامه، ۵ درصد از درآمدهای بندر را به جامعه بلوچ اختصاص داده و عملیات دوزبانه و الزامات استخدام بومی را به عنوان شروط تمامی قراردادها تعیین می‌کند.

۶.۴ توجیه اقتصادی برابری

برابری «خیریه» نیست؛ بلکه پیش‌نیاز انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی و تقاضای مصرف‌کننده‌ای است که زیربنای تمامی رشدهای اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

سرمایه‌گذاری در برابری	هزینه تخمینی	بازده تخمینی
افزایش مشارکت اقتصادی زنان از ۱۴٪ به ۳۰٪	اصلاحات نهادی و سیاست‌گذاری	میلیون‌ها نیروی کار اضافی؛ جهش قابل توجه در تولید ناخالص داخلی
کمسیون حقیقت و آشتی (۵ ساله)	۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار (کل دوره)	ثبات سیاسی؛ اعتماد سرمایه‌گذاران
احیای حقوق آب در خوزستان	۱ تا ۳ میلیارد دلار طی یک دهه	احیای کشاورزی؛ کاهش فشار مهاجرت
هدف‌گذاری جغرافیایی سرمایه‌گذاری	هزینه نهایی ناچیز (مکان‌یابی کارخانه‌ها)	ثبات منطقه‌ای؛ ایجاد تقاضای مصرف‌کننده
نمایندگی تناسبی در نهادهای جدید	هزینه نهایی صفر	مشروعیت؛ دسترسی به استعدادها؛ کاهش خطر درگیری
آموزش و خدمات دوزبانه	حداقل هزینه به ازای هر نفر	آزادسازی سرمایه انسانی؛ حفظ فرهنگ

رویکرد برابری‌محور رواندا منجر به رشد سالانه ۸ درصدی تولید ناخالص داخلی برای دو دهه شد. سرمایه‌گذاری ۲.۳ میلیارد یورویی طرح صلح در ایرلند شمالی، به ازای هر ۱ دلار هزینه ۲.۲۰ دلار سرمایه‌ی جانبی جذب کرد. در مقابل، شکست آفریقای جنوبی در دستیابی به تحول ساختاری (علی‌رغم ادغام سیاسی) به عنوان هشدار علی‌ه اقدامات نیمه‌تمام قلمداد می‌شود. سابقه‌ی تجربی روشن است: بازسازی‌ای که به‌طور ملموس به نفع تمام جوامع باشد، باعث ایجاد ثبات، مشروعیت و تقاضایی می‌شود که رشد پایدار را به حرکت درمی‌آورد. بازسازی‌ای که یک طبقه ممتاز (نخبگان) را ثروتمند کند و پیرامون (حاشیه) را نادیده بگیرد، همان شرایطی را بازتولید می‌کند که قرار بود آن‌ها را حل کند.

گذار ایران نه با سرعت قطارهای تندرو یا ظرفیت عملیاتی بنا‌درش، بلکه با این معیار سنجیده خواهد شد که آیا یک کودک بلوچ در زاهدان، بیوه‌ی یک کولبر گُرد در سَنَدج، یک فارغ‌التحصیل بهائی در اصفهان و یک کشاورز عرب در خوزستان می‌توانند برای نخستین بار بگویند: این کشور برای من هم ساخته شده است.

پایان بخش دوم

بخش سوم: زیرساخت‌های فیزیکی و امنیت زیست‌محیطی

